

نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی افغانستان

پوهنوال احمد رسول رسول

دیپارتمنت فلسفه و جامعه شناسی، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: ahsuhaib@yahoo.com

چکیده

مقاله حاضر به بررسی نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی افغانستان، اختصاص یافته است. مبرهن است که اساس پیشرفت و توسعه در ابعاد مختلف جامعه، بر دانش و تحقیق استوار است. توسعه و انکشاف اجتماعی افغانستان در گرو رشد آگاهی اجتماعی، انسجام و هم‌بستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی و پیشرفت فکری و علمی مردم افغانستان می‌باشد. هدف تحقیق این مقاله را شناسایی نقش نظام تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی افغانستان، تشکیل می‌دهد. در این مقاله، از روش تحقیق اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده به عمل آمده است. یافته‌های این مقاله آن است که: نظام تحصیلات عالی کشور از طریق نصاب تحصیلی با کیفیت و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و دستاوردهای علمی می‌تواند در رشد آگاهی اجتماعی، تقویت وفاق و هم‌بستگی اجتماعی، آموزش و تحکیم عدالت اجتماعی، تأمین رفاه اجتماعی، شناسایی مسائل اجتماعی و ارائه راهکار جهت تحقق انکشاف و توسعه اجتماعی در افغانستان، نقش بنیادی و تعیین‌کننده را ایفا نماید.

اصطلاحات کلیدی: تحصیلات عالی؛ توسعه اجتماعی؛ هم‌بستگی اجتماعی؛ عدالت اجتماعی؛ رفاه اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی

The Role of Higher Education in Afghanistan's Social Development

Associate prof. Ahmad Rasool Rasool

Department of Philosophy and Sociology, Faculty of Social Sciences, Kabul University,
Kabul, Afghanistan

Email: ahsuhaib@yahoo.com

Abstract

This article is dedicated to exploring the pivotal role that higher education plays in driving the social development of Afghanistan. The bedrock of progress across various dimensions of society hinges upon knowledge and research. Afghanistan's path to development and social advancement is intrinsically linked to the cultivation of social awareness, the fortification of social cohesion and solidarity, the pursuit of social justice, the enhancement of social welfare, the accumulation of social capital, and the intellectual and scientific advancement of its populace. The primary objective of this research is to delineate the contribution of the higher education system to Afghanistan's social development. This article employs documentary and library research methodologies to accomplish this goal. The findings of this research underscore that the country's higher education system, through the delivery of a quality curriculum rooted in Islamic teachings and informed by scientific achievements, possesses the potential to foster social awareness, bolster social harmony and solidarity, educate and uphold principles of social justice, enhance social welfare, address prevalent societal issues, and offer solutions crucial for driving development and social progress in Afghanistan. It plays a decisive role in shaping the nation's social development trajectory.

Keywords: Higher Education; Social Development; Social Solidarity; Social Justice; Social Welfare; Social Capital

مقدمه

با نگاهی هرچند گذرا به روند توسعه و انکشاف جوامع بشری، جامعه‌ای را نمی‌توان شناسایی نمود که بدون داشتن نظام تحصیلات عالی باکیفیت توانسته باشد، مسیر انکشاف و توسعه اجتماعی را موفقانه طی نماید. نقش تحصیلات عالی و پوهنتون‌ها در طرح و حل مسائل اساسی مرتبط با نیازهای بنیادین جوامع بشری به خصوص انکشاف و توسعه در ابعاد مختلف، بسیار برجسته و تعیین‌کننده بوده و هست. افغانستان علی‌رغم داشتن منابع طبیعی غنی و نیروی انسانی فراوان در ردیف جوامع عقب‌مانده و درحال توسعه قرار دارد؛ عقب‌ماندگی سرنوشت لایتغیر جامعه‌ی ما نیست، بلکه معلول علل و عوامل متعدد می‌باشد.

از میان عوامل عقب‌ماندگی اجتماعی کم‌سودی و فقدان نیروی تحصیل‌کرده و متعهد، نبود نظام تعلیمی و تحصیلی باکیفیت، نفاق و تفرق اجتماعی، بی‌عدالتی‌های اجتماعی، فقدان سرمایه اجتماعی از جایگاه خاصی در توسعه نیافتگی اجتماعی برخوردار است. انکشاف و توسعه اجتماعی افغانستان در گرو اتحاد و هم‌بستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، سرمایه انسانی و اجتماعی و پیشرفت فکری و علمی جامعه می‌باشد. بنابراین، نظام تحصیلات عالی عهده‌دار خلاقیت و تربیت نیروی انسانی متخصص، مسلمان و متعهد، عامل ترویج و تحکیم عدالت اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی، عامل شناسایی مسائل اجتماعی و ارائه‌دهنده‌ی راهکار جهت تحقق انکشاف و توسعه اجتماعی در افغانستان است.

اهمیت موضوع تحقیق

تحقیق روی نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی در افغانستان، می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد. چرا که امروزه خروج از عقب‌ماندگی و رفتن به سوی انکشاف و توسعه در ابعاد مختلف جامعه، به کانون توجه به خصوص در جوامع عقب‌مانده تبدیل شده است. اندیشمندان علوم اجتماعی، جامعه‌شناسان توسعه، حکومت‌های توسعه‌گرا و نهادهای تحصیلات عالی سعی می‌نمایند که عوامل و موانع انکشاف و توسعه در ابعاد مختلف را شناسایی نموده تا شرایط مناسب توسعه در جوامع عقب‌مانده نظیر افغانستان را فراهم نمایند. جامعه‌شناسان و محققین توسعه معتقدند که تحصیلات عالی نقش و جایگاه مهمی را در تحقق انکشاف و توسعه اجتماعی به عهده دارد. افغانستان در بعد اجتماعی با مسائل و معضلاتی مواجه است که مسیر انکشاف و توسعه اجتماعی کشور را پیچیده ساخته است. لازمه‌ی دستیابی به پیشرفت و توسعه اجتماعی در افغانستان موجودیت نظام

تحصیلات عالی باکیفیت و برخورداری مردم این کشور از دانش، فضایل اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی می‌باشد.

پیشینه‌ی تحقیق

بدون تردید میان تحصیلات عالی و انکشاف و توسعه اجتماعی در یک جامعه ارتباط مستقیم و تأثیر متقابل وجود دارد. به یک معنا ما شاهد نوعی تلازم و پیوستگی میان شکل‌گیری نهادهای تحصیلات عالی و نگرش معطوف به توسعه و انکشاف در جامعه هستیم. در کشورهای جهان پیرامون موضوع، تحقیقات زیادی صورت گرفته است که نمی‌توان آن‌ها را نظریه محدودیت در این جا معرفی نمود. در ارتباط به پیشینه‌ی تحقیق در افغانستان می‌توان گفت از آن جایی که از عمر تحصیلات عالی به‌عنوان نهادی از جامعه‌ی جدید مدت زمان زیادی در افغانستان نمی‌گذرد، باوجود آن هم تا اندازه‌ی تحقیقات در عرصه‌های مختلف مرتبط با موضوعات علمی و انکشافی صورت گرفته است. تحقیق پیرامون نقش تحصیلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی کشور تا جایی که بنده سعی و جستجو نمودم و برایم مقدور بود، فقط یک پایان‌نامه تحصیلی مقطع ماستری در پوهنتون کاتب را توانستم پیدا کنم. پایان‌نامه مذکور زیر نام «نقش پوهنتون‌ها در توسعه فرهنگی در شهر کابل» به وسیله بریالی فطرت در سال ۱۳۹۴ به انجام رسیده است.

روش تحقیق

روش‌شناسی به‌کارگرفته شده در این مقاله، روش تحقیق اسنادی می‌باشد. در گیردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده صورت گرفته است. در این مقاله حتی‌المقدور تلاش شده تا با مراجعه به آثار و منابع معتبر در ارتباط به موضوع، اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری نموده و به‌گونه‌ی کیفی مورد تحلیل قرار دهیم تا این مقاله به پایه اتمام برسد. البته در ابتدا تصمیم بر این بود که از روش تحقیق کمی- میدانی استفاده صورت گیرد، ولی نظریه محدودیت دست‌رسی به افراد متخصص و تعیین یک جامعه آماری نمونه که بتواند به پرسش‌های ما پاسخ‌های علمی ارائه نماید، نتوانستم که از روش کمی- میدانی استفاده نمایم.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی ما در این مقاله آن است که: تحصیلات عالی چگونه در روند انکشاف و توسعه اجتماعی کشور نقش ایفا می‌نماید؟ پرسش‌های فرعی ما از قرار زیر اند: توسعه اجتماعی چیست و کدام شاخصه‌ها را احتوا می‌نماید؟ تحصیلات عالی چگونه می‌تواند در هم‌بستگی اجتماعی میان مردم افغانستان نقش ایفا نماید؟ چه ارتباطی میان عدالت اجتماعی به‌عنوان میزان سنجش توسعه اجتماعی و

تحصيلات عالی وجود دارد؟ تحصيلات عالی چه نقشی را در تأمین رفاه اجتماعی و گسترش سرمایه اجتماعی به عنوان شاخصه‌های دیگر توسعه اجتماعی، بر عهده دارد؟

هدف تحقیق

هدف اصلی این مقاله، تبیین نقش تحصيلات عالی در توسعه و انکشاف اجتماعی افغانستان و پاسخ‌دهی به پرسش‌های تحقیق می‌باشد. تحقیق حاضر، ما را به این آگاهی رهنمون خواهد ساخت که برای تحقق انکشاف و توسعه اجتماعی در کشور شاخص‌هایی چون تأمین رفاه اجتماعی و خیر همگانی، تقویت انسجام و هم‌بستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی و سرمایه اجتماعی از اهمیت فوق‌العاده برخوردار می‌باشد. بدون شک تحصيلات عالی و پوهنتون‌ها در راستای عملی شدن شاخص‌های فوق و از سوی دیگر با شناسایی مسائل و موانع انکشاف و توسعه اجتماعی در افغانستان می‌توانند نقش تعیین‌کننده را ایفا نمایند.

توسعه اجتماعی و تحصيلات عالی

توسعه اجتماعی وسیع‌ترین بخشی توسعه‌ی ملی است که جنبه‌های بسیاری را در بر می‌گیرد. توسعه اجتماعی از مفاهیمی است که با چگونگی و کیفیت زندگی افراد يك جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد (ازکیا، ۱۳۸۴، ص ۴۷). توسعه اجتماعی بیان‌گر بهبود کیفیت نظام اجتماعی برای دستیابی به رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی، انسجام و هم‌بستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی می‌باشد. در واقع هدف اصلی توسعه اجتماعی ارتقای سطح زندگی افراد در بعد مادی و معنوی و کیفیت زندگی مردم است (ترافی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲). توسعه اجتماعی روندی است که ساختارها و اوضاع اجتماعی را از حالت نامطلوب به حالت مطلوب تغییر می‌دهد و نهادهایی ساخته می‌شوند که موجب انسجام و هم‌بستگی اجتماعی در درون جامعه شوند. هدف توسعه در دین اسلام تحقق روندی است که انسان را به تعالی، کمال و سعادت حقیقی برساند.

راه‌هایی که نظام تحصيلات عالی می‌تواند به توسعه اجتماعی کمک کند، رشد آگاهی اجتماعی، سازگاری اجتماعی، انسجام و هم‌بستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی است (ثابتی، ۱۳۹۳، ص ۶۴). پوهنتون‌های افغانستان کانون تربیت نسل‌ها، نخبگان، مدیران و کارگزاران آینده کشور اند. دانش و بینش اسلامی و اجتماعی‌یی که این افراد در پوهنتون پیدا می‌کنند، عامل مؤثری در شکل‌گیری اخلاق و منش اجتماعی آن‌هاست که منجر به توسعه و انکشاف اجتماعی کشور می‌شود. در واقع پوهنتون‌ها به عنوان زیرمجموعه‌های نظام تحصيلات عالی در افغانستان، مرکز تجمع اندیشمندان و نخبگان جامعه به شمار می‌روند. آن‌ها با تربیت افراد متدین، متعهد، متخصص، صادق و وطن‌دوست و تزریق آنان به

بخش‌های مختلف جامعه امکان انجام تغییرات و اصلاحات لازم را در جهت توسعه و انکشاف اجتماعی افغانستان فراهم می‌سازند.

تحصیلات عالی عامل تحکیم وفاق و هم‌بستگی اجتماعی

زندگی اجتماعی برای انسان یک اصل ضروری به شمار می‌آید که در گرو جامعه‌ی سالم و عاری از اختلاف و کشمکش است تا انسان بتواند نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین نماید. جامعه از افراد و گروه‌های اجتماعی تشکیل یافته است که مبتنی بر عواملی چون نژاد، قوم، زبان، مذهب، قبیله و خانواده اند. وفاق و انسجام میان افراد و گروه‌ها اساس یک زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد و از بین رفتن آن، باعث فروریزی نظام اجتماعی و از هم‌پاشیدگی حیات اجتماعی می‌شود (رسول، ۱۴۰۱، ص ۲۴). با تحقق انسجام اجتماعی انتظار می‌رود که تضادها و کشمکش‌های ناشی از تفاوت‌های قومی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از بین برود. عدم توجه به وفاق و انسجام اجتماعی در جامعه می‌تواند مشکلاتی را به همراه داشته باشد که طراوت و امنیت اجتماعی زندگی افراد جامعه را تهدید کند (نژاد محمد، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶). بدون شک انکشاف و توسعه اجتماعی افغانستان در پرتو وفاق و هم‌بستگی اجتماعی و مشارکت عمومی افراد و گروه‌های اجتماعی میسر می‌گردد.

ابن خلدون بنیان‌گذار جامعه‌شناسی اسلامی می‌گوید که انسان دارای سرشت مدنی است و مجبور است برای رفع نیازمندی‌های خود در اجتماع زندگی نماید. یک فرد بشر به تنهایی قادر نیست که نیازهای خود را برآورده سازد. بنابراین، ناچار باید افراد انسانی گردهم آمده و در سایه‌ی تعاون، همکاری و هم‌بستگی اجتماعی قادر به مرفوع ساختن نیازهای شان هستند (ابن خلدون، ۱۳۸۲، ص ۷۸). ابن خلدون، مفهوم «عصیت» که معنای هم‌کاری، هم‌یاری، انسجام و هم‌بستگی اجتماعی را در بر دارد، اساس و محور جامعه و تحولات اجتماعی تلقی نموده و به صراحت چنین بیان می‌دارد: "حمایت و دفاع و توسعه‌طلبی هر اجتماع از راه عصیت میسر می‌شود. باید دانست که در یک جامعه هرچند عصیت‌های متعدد و گوناگون وجود داشته باشد، ناگزیر باید از میان آن‌ها عصیتی پدید آید که از همه‌ی آن‌ها نیرومندتر باشد و بر آن‌ها چیره شود و همه را یک‌سره به پیروی خویش وادارد و گرنه میان آن‌ها جدایی روی می‌دهد و به اختلاف و جنگ منتهی می‌گردد" (همان، ص ۲۶۵). به باور وی عمران و پیشرفت یک جامعه بدون تعاون، هم‌یاری و هم‌بستگی میان افراد و گروه‌ها ممکن نیست.

از آن جایی که جامعه افغانستان با توجه به کثرت اقوام و گروه‌های اجتماعی اکنون در شرایط حساس قرار دارد، نیازمند انسجام و هم‌بستگی ملی هرچه بیشتر است. در این میان پوهنتون‌ها و نهادهای تعلیمی دیگر از جمله نهادهایی اند که می‌توانند انسجام و هم‌بستگی ملی را تقویت نمایند. زیرا وجود انسجام

و هم‌بستگی اجتماعی در افغانستان ناشی از اعتقادات و ارزش‌های مشترک، سازگاری میان افراد و گروه‌های اجتماعی و پایداری آن منوط به دارا بودن افراد از فضایل و مهارت‌هایی مانند تفاهم، مدارا، هم‌دیگرپذیری و همیاری است که پوهنتون‌ها در ترویج و نهادینه‌سازی آن‌ها نقش تعیین‌کننده را به عهده دارند.

نظام تحصیلات عالی افغانستان با استفاده از ارزش‌های اسلامی و ملی به‌خصوص نصاب تحصیلی واحد و تعیین اولویت‌های جامعه می‌تواند محصلان و از طریق آن‌ها مردم افغانستان را به یک‌پارچگی و انسجام اجتماعی دعوت نموده و اتحاد و هم‌بستگی را در میان افراد و گروه‌های اجتماعی تقویت نماید.

امروزه جامعه افغانستان برای حفظ ثبات و جلوگیری از بروز و گسترش اختلافات و تضادها نیازمند عامل قوی و فراتر از عواملی چون نژاد، قوم، زبان و قبیله است که منافع همه‌ی افراد و گروه‌های اجتماعی را تأمین کند که این عامل جز تمسک و التزام عملی به دین و آموزه‌های اسلامی نمی‌تواند باشد.

دین اسلام برای رفع اختلافات قومی و نژادی و ایجاد انسجام و هم‌بستگی اجتماعی دساتیر ارزشمندی را ارائه می‌نماید. قرآن کریم همه‌ی انسان‌ها را برابر وصف نموده که همگی از فرزندان آدم هستند و بر یک‌دیگر دارای فضل و برتری خاصی نیستند، مگر با تقوا. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳). قرآن کریم در جای دیگر، محور وحدت گروه‌ها و مردم را تمسک به قرآن ذکر نموده و از اختلاف و تفرقه نهی کرده است. چنانچه می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران: ۱۰۳). ترجمه: (همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام) چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت بزرگ خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یک‌دیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید). قرآن کریم در آیه فوق، اصل و رمز استحکام بخشیدن به مسلمانان و جلوگیری از شکست را متحد شدن با یک‌دیگر و پرهیز از تفرقه و اختلاف معرفی می‌نماید و مسلمانان را به آن دعوت می‌کند. قرآن کریم به نعمت بزرگ اتحاد و برادری اشاره کرده و مسلمانان را به تفکر در وضع اندوه‌بار گذشته و مقایسه آن «پراکندگی» با این «وحدت» فرا خوانده و می‌فرماید: فراموش نکنید که در گذشته چگونه با هم دشمن بودید، ولی خداوند در پرتو اسلام و ایمان در دل‌های شما الفت انداخت و دل‌های شما را به هم مربوط ساخت و شما دشمنان دیروز، برادران امروز گردید (عثمانی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۴۶).

در صحیح بخاری حدیثی از پیامبر اسلام (ص) چنین نقل شده است: «عَنْ أَبِي مُوسَى (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا» ثُمَّ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ» (بخاری: ۶۰۲۶). ترجمه: (ابوموسی اشعری می‌گوید: نبی اکرم (ص) فرمود: مؤمنان برای یکدیگر مانند اجزای یک ساختمان هستند که باعث تقویت و استحکام یکدیگر می‌شوند. سپس رسول خدا (ص) انگشتانش را داخل یکدیگر نمود). این حدیث شریف ما را به هم‌بستگی و وفاق با یکدیگر دعوت می‌نماید.

هم‌چنان دین اسلام عواملی که باعث ازهم‌گسیختگی انسجام و هم‌بستگی اجتماعی می‌شود را شناسایی و نهی نموده است. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَ لَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَ لَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا» (بخاری: ۶۰۶۴). ترجمه: (از ابوهریره روایت است که پیامبر (ص) فرمود: از گمان بد پرهیزید، همانا گمان بد دروغ‌ترین سخن است و بر دیگران عیب مگیرید و جاسوسی نکنید، حسد نورزید، دشمنی نکنید و کینه‌توزی نکنید و ای بندگان خدا با هم برادر باشید).

از نظر ابن‌خلدون نیرومندترین عصبیت، عصبیت دینی است و سر آن این است که هرگاه دل‌های مردم به خواهش‌های باطل‌گرایند و به دنیا شیفته شوند، هم‌چشمی روی می‌دهد و به اختلاف کشیده می‌شود، ولی اگر مردم به حق و راستی‌گرایند و دنیا و باطل را فروگذارند و به خداوند روی آورند در هدف و راهی که برگزیده‌اند، متحد می‌شوند و در نتیجه، هم‌چشمی و کشمکش از میان آنان رخت بر می‌بندد و نزاع و اختلاف کمتر روی می‌دهد و همکاری و تعاون نیکو حاصل می‌شود و دایره‌ی وحدت کلمه و یک‌زبانی آنان در راه هدف مشترک توسعه می‌یابد. ارزش‌های دینی هم‌چشمی و حسد بردن به یکدیگر را که در میان گروه‌های اجتماعی یافت می‌شود، زایل می‌کند و وجهه را تنها به سوی حق و راستی متوجه می‌سازد تا جایی که هیچ نیرویی در برابر آنها توان مقاومت نخواهد داشت. چنان‌چه اجتماع و وحدت دینی اعراب نیروی عصبیت آنها را دوچندان کرد و از این رو هیچ نیرویی در برابر آنان تاب مقاومت نیاورد (ابن‌خلدون، 1382، ص 302). دین اسلام، منشأ انسجام و هم‌بستگی جدیدی شد که مسلمانان را دولت و تمدن بخشید. بنابراین، دین اسلام نیرومندترین عامل تقویت‌کننده وفاق و هم‌بستگی اجتماعی است.

از نظر علامه ابوالحسن علی ندوی، تعصبی که منجر به تفرقه و جدایی میان مسلمانان شده است، نتیجه جهل و نادانی آنها و فاصله‌گرفتن دین از صحنه‌های عملی زندگی می‌باشد. ندوی می‌گوید: "جهل و نادانی سبب می‌شود که انسان مرتباً مرتکب خطا شده و از یک سوراخ بارها گزیده شود و این واقعاً برای انسانی که خداوند نعمت هدایت و حکمت را به وی ارزانی داشته و دستور داده است که نیروهای

عقلی و تجارب گذشته خود را تا نهایت درجه به کار گیرد، شایسته نیست. اسلام تعصبات قومی و زبانی را حرام و ممنوع می‌داند و از آن‌ها به عنوان «غیرت جاهلی» یاد می‌کند (ندوی، 1385، ص 12). جاهلیت سبب می‌گردد که افراد درگیر تعصبات قومی و زبانی شده و این امر برادری و وحدت اسلامی را نابود می‌سازد. تعصبات قومی و زبانی سبب شده که دشمنان اسلام از آن به عنوان دلیل برای ضعف اسلام استفاده کنند. در واقع این خطرناکترین ضربه‌ای است که به علت تعصبات زبان و فرهنگ موجود در میان مسلمانان، بر پیکره اسلام وارد می‌آید. در حالی که حقیقت اسلام چیز دیگر است. بنابراین، لازم است که دانش و آگاهی افراد در سطحی باشد که نقطه نظر اسلام را در مورد مسائل به وجود آمده بدانند (همان، ص 21). وظیفه هر فرد مسلمان است که به شناخت جاهلیت بپردازد و فریب وسیله‌های جاهلیت را نخورد. بدون شک مراکز علمی و نظام تحصیلات عالی در این میان، رسالت بزرگی را به عهده دارند. به باور علامه ندوی اهمیت نهادهای علمی نه تنها در جهان اسلام، بلکه در جهان بشریت همانند نیروگاه برق است که در بخش‌ها و شعبه‌های به خصوصی، عقل و فکر و اندیشه و قلب انسان را از هرگونه تاریکی‌ها و گمراهی‌ها مبرا ساخته و روشن می‌گرداند (ندوی، 1397، ص 5). واقعاً هر وقت بر محور حقایق و ارزش‌های عالی اسلامی و انسانی پرده جاهلیت افکنده شود، این همان وقت بسیار حساس و بحرانی خواهد بود که کلیه ارزش‌ها، قربانی ایده‌ها و نظریات بی‌اساس و بی‌ارزش خواهد گشت. و مادامی که نقاب از کلیه جهالت‌ها، تعصبات بی‌جا و خشک و بی‌فرهنگی‌ها برداشته نشود، این وضعیت تأسف‌بار ادامه خواهد داشت (همان، ص 1). مهم‌ترین نیاز جوامع اسلامی را علامه ندوی، بالا بردن سطح فرهنگ و دانش دانسته و در این عرصه اهمیت زیادی برای علماء، دانشمندان و مراکز علمی قائل است.

بنابراین، نظام تحصیلات عالی افغانستان از طریق آموزش و ترویج ارزش‌های اسلامی وحدت‌آفرین و انسجام‌بخش در ایجاد هم‌گرایی هرچه بیشتر میان افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف ساکن در کشور نقش عمده را ایفا می‌نماید. پوهنتون‌ها می‌توانند با برنامه‌ریزی درست به محصلان و از طریق آن‌ها به تمام مردم افغانستان کمک کنند، تا جایگاه ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی را در روند توسعه و انکشاف جامعه بهتر درک نموده، آن‌ها را پذیرفته و جزء شخصیت خویش ساخته، رفتارها و روابط اجتماعی‌شان را بر مبنای آن‌ها تنظیم نمایند. از آنجایی که افراد متعلق به اقشار و اقوام مختلف به حیث استاد، محصل و مأمور حق و فرصت ورود به تحصیلات عالی را دارند، با کنار هم قرارگرفتن و با شناخت یک‌دیگر و قبول ارزش‌های اسلامی و ملی انسجام‌بخش، آن‌ها با هم‌دیگر تفاهم و هم‌گرایی پیدا نموده که این امر بر اتحاد و هم‌بستگی میان تمام مردم افغانستان تأثیر مثبت دارد.

تحصیلات عالی با آموزش اخلاقی و القای ارزش‌های وفادار به نظام اجتماعی می‌تواند افراد را از خودمداری که تهدیدی به نظم اجتماعی محسوب می‌شود بیرون نموده و به مثابه‌ی عامل کنترل اجتماعی عمل کند. زیرا رسالت نهاد تعلیم و تربیت یک جامعه پرورش روحیه جمعی، ارزش‌ها و موازین اخلاقی احترام به نظام سیاسی حاکم و هم‌گرایی میان افراد و گروه‌های اجتماعی است (حاتمی، ۱۳۹۸، ص ۸۳). افزون بر آن، تحصیلات عالی می‌تواند با جذب و همگون‌سازی افراد و گروه‌های اجتماعی تحت تأثیر اهداف و ارزش‌ها مشترک سازگاری و انسجام اجتماعی را تأمین کند. این امر به ویژه در جامعه افغانستان که از گروه‌های قومی و زبانی مختلف تشکیل شده است، از طریق نظام تحصیلات عالی با آموزش و ترویج ارزش‌ها و موازین اسلامی و ملی انسجام‌بخش تأمین می‌شود.

تحصیلات عالی عامل ترویج عدالت اجتماعی

زندگی مسالمت‌آمیز افراد و گروه‌های اجتماعی در کنار یک‌دیگر و در مجموع بقای یک نظام در گرو تحقق عدالت اجتماعی است. چون انکشاف و توسعه اجتماعی متضمن بهبود کیفیت زندگی مردم است، بر این اساس عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از محوری‌ترین شاخص‌ها مطرح می‌باشد. عدالت، عبارت از اعطای حق هر صاحب حق و گذاشتن هر چیز در جایگاه شایسته‌ی آن بوده که لازمه‌ی آن جلوگیری از ظلم و تبعیض در جامعه است. هدف از عدالت اجتماعی توزیع عادلانه‌ی امکانات و فرصت‌ها، کاهش تبعیض و نابرابری بین افراد و گروه‌ها در جامعه می‌باشد. از طریق عدالت اجتماعی انتظار می‌رود که نابرابری‌ها و فاصله‌های طبقاتی در جامعه به حداقل برسد و توزیع درآمد، امکانات و فرصت‌ها به گونه‌ای مناسب‌تر و عادلانه‌تر انجام گیرد. توزیع ناعادلانه درآمد، منابع و امکانات نه تنها به گسترش فقر و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود، بلکه زمینه‌های افزایش نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی را در جامعه فراهم می‌کند (صیدایی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۸).

انکشاف و توسعه اجتماعی افغانستان را می‌توان با سنجش عدالت اجتماعی به‌عنوان والاترین ارزش و آرمانی که فراهم‌سازی آن از ملزومات پیشرفت و خوش‌بختی مردم افغانستان می‌باشد، بررسی نمود. در حقیقت همه کوشش‌ها وسیله‌ای برای تحقق عدالت است. عدالت، حق است و اما همه افراد جامعه در زمینه‌ی تحقق آن تکلیف دارند و مهم‌ترین عنصر در این زمینه آموزش و تحصیل است.

تحصیلات عدالت‌محور، به‌عنوان عنصری اساسی در تقویت فرهنگ عمومی و جامعه‌پذیر کردن افراد با موازین و هنجارهای عدالت مهم‌ترین مؤلفه در ارتقا و تحقق آن در جامعه است. تحصیلات عدالت‌محور شامل ارائه دانش، تقویت مهارت‌ها و ارزش‌های لازم برای زندگی توأم با عدالت و

رستگاری می‌باشد. بهره‌مندی از این تحصیلات می‌بایست متضمن ایجاد مسئولیتی برای ارتقای عدالت اجتماعی به‌عنوان ضرورت برای پیشرفت اجتماعی مطلوب باشد (مصفا، ۱۳۹۰، ص ۲۳۵).

عدالت اجتماعی هدفی است که تحقق آن در جامعه افغانستان به آموزه‌ها و رعایت احکام دینی نیاز دارد. دین استقرار عدالت را در گرو نفی هواهای نفسانی می‌داند. دین با سوق دادن مردم به مبدأ و معاد زمینه‌ی مبارزه با خودخواهی و رعایت حقوق دیگران را فراهم می‌کند. پابندی به احکام دینی در زندگی بهترین روش برای مهار نمودن حس خودخواهی و غلبه بر خواهشات نفسانی است.

در قرآن مجید آیه‌های زیادی پیرامون رعایت عدالت وجود دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸). ترجمه: (ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خداوند قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید و شما را نباید دشمنی و اختلاف گروهی و قومی بر آن دارد که از راه عدل بیرون روید؛ عدالت کنید که به تقوا نزدیک است و از خدا بترسید که خداوند به هرچه می‌کنید آگاه است). این آیه دعوت به قیام عدالت می‌کند و سپس به یکی از عوامل انحراف از عدالت اشاره نموده و به مسلمانان هشدار می‌دهد که دشمنی گروه خاصی شما را به این وا ندارد که شما عدالت نکنید، عدالت کنید؛ زیرا عدالت مهم‌ترین رکن تقوا و پرهیزگاری است (عثمانی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۲۱-۳۲۰).

در مورد تحریم ظلم در صحیح مسلم از نبی اکرم (ص) نقل شده که فرموده است: عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنْ النَّبِيِّ (ص) فِيمَا رَوَىٰ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ أَنَّهُ قَالَ: «يَا عِبَادِي إِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلَىٰ نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالَمُوا يَا عِبَادِي...» (مسلم: ۲۵۷۷). ترجمه: (از ابوذر (رض) روایت است که رسول خدا (ص) از قول خداوند متعال چنین فرمود: ای بندگان من! ظلم و ستم را بر خود حرام نمودم و آنرا میان شما نیز حرام کردم، پس به همدیگر ظلم و ستم نکنید ای بندگان من...). در حدیث دیگر می‌خوانیم: «عَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسْلِمُهُ مَنْ كَانَ فِي حَاجَةٍ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ بِهَا كُرْبَةً مِنْ كُرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مسلم: ۲۵۸۰). ترجمه: (از سالم روایت است که پدرش گفت: رسول خدا (ص) فرمود: مسلمان برادر مسلمان است؛ به او ستم نمی‌کند و او را تسلیم (رنج و بلا) نمی‌کند. کسی که حاجت برادر خود را برآورده کند، خداوند حاجت او را برآورده می‌سازد. کسی که اندوهی را از مسلمانی دور گرداند، خداوند اندوهی از اندوه‌های روز قیامت را از او دور می‌گرداند. کسی عیب فرد مسلمانی را بپوشاند، خداوند در روز قیامت عیب او را می‌پوشاند).

تحصیلات عالی عدالت محور مبتنی بر ارزش های اصیل اسلامی (برآمده از قرآن کریم و سنت)، نظرات علما و متفکران اسلامی در باره عدالت است که در عین حال از تجربیات قابل بهره برداری و مفید دیگر کشورها بهره خواهد جست. هدف از این تحصیلات تقویت ارزش ها و ظرفیت های شخصی برای رعایت اصول عدالت در رفتارهای فردی و اجتماعی است. از این رو، این تحصیلات باید حساس به باورها و هنجارهای فرهنگی باشد (مصفا، ۱۳۹۰، ص ۲۳۵). تحصیلات عدالت محور را می توان از طریق محورهای ذیل دنبال کرد:

- بازنگری و تدوین برنامه ها و نصاب تحصیلی برای تقویت فرهنگ عدالت در جامعه افغانستان.
 - رعایت و در نظر گرفتن عدالت و انصاف توسط مسئولان و دست اندرکاران نظام تحصیلات عالی به ویژه استادان در رفتار و عملکردهای شان جهت ترویج فرهنگ عدالت به محصلان و از طریق آن ها به جامعه.
 - شناسایی موانع تحقق عدالت اجتماعی در افغانستان از طریق تحقیقات علمی.
 - تقویت نقش و توان رسانه های گروهی برای آموزش عدالت محور.
 - ایجاد و گسترش فرصت های برابر تحصیلات عدالت محور برای همه ی شهروندان افغانستان.
- محورهای عمده تحصیلات عدالت محور تحصیلات عالی عدالت محور، زمانی از کارایی لازم برخوردار است که متناسب با نیازهای جامعه افغانستان برنامه ریزی شده و محصلان و مخاطبان را به جستجوی راه هایی برای تحقق اصول عدالت در شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه متعهد سازد.

نظام تحصیلات عالی عدالت محور با آموزش و تربیت نسل ها می تواند از مؤثریت لازم در ترویج و نهادینه سازی فرهنگ عدالت و مبارزه با ظلم در جامعه افغانستان برخوردار باشد.

تحصیلات عالی و رفاه اجتماعی

یکی دیگر از مؤلفه های توسعه اجتماعی رفاه اجتماعی است. رفاه اجتماعی عبارت از مجموعه اقدامات، برنامه ها و خدمات گوناگون اجتماعی به منظور پاسخ گویی به نیازهای مادی و معنوی افراد و گروه ها و غلبه بر مسائل اجتماعی جهت تأمین مطلوبیت و خوش بختی انسان بوده تا زمینه ی آسایش و سعادت او را فراهم آورد (زاهدی اصل، ۱۳۸۱، ص ۶). ملازمه ی جدی میان توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی وجود دارد؛ زیرا توسعه اقتصادی وسیله ای برای بهبود کیفیت زندگی مردم است. منظور از کیفیت زندگی، ارتقاء و افزایش تسهیلات و خدمات زیربنایی شامل تغذیه، صحت و درمان، تحصیلات، اشتغال و ارتباطات سالم است و انتظار می رود که هر نظام اجتماعی به ارائه این تسهیلات با کمیت و کیفیت مناسب بپردازد، به گونه ای که امکان دسترسی همه ی افراد جامعه به آن ها فراهم گردد. شاخص هایی مانند کاهش فقر، کاهش نابرابری، دسترسی به اشتغال، احساس و رشد معنویت،

بالا بردن نرخ باسوادى و فيصدى افرادِ داراى تحصيلاتِ عالي- فنى و حرفه‌اى شناساننده‌هاى كفايت زندگى هستند (رسول، ۱۳۹۵، ص ۶۰). هدف از توسعه اجتماعى رفع نيازهاى انسان است و به‌طور كلي نيازهاى انسان را مى‌توان به سه دسته زير طبقه‌بندي كرد: ۱. نيازهاى زيستى و فزيولوژيک مانند خوراك، پوشاك، مسكن، صحت و درمان و غيره. ۲. نيازهاى روانى مانند كسب علم و آگاهى، لذت بردن از دين، معنويت، پيمودن مسير كمال، لذت بردن از حيات و از جهان هستى، تأمين امنيت، فرار از تاريخى‌ها و ناشناخته‌ها. ۳. نيازهاى اجتماعى مانند نياز به تشريك مساعى جمعى در حل مسائل و مشكلات، نياز به همدلى، تعاون و اعتماد (نژاد محمد، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴).

انكشاف و توسعه اجتماعى افغانستان در گرو شناسايى مسائل و مشكلات اجتماعى و برنامه‌ريزى به‌منظور پاسخ‌گويى به نيازهاى گوناگون جامعه است. مسلم است كه نهادها و سازمان‌هاى مختلف دولتى و غيردولتى براى مرفوع ساختن نيازهاى گوناگون و تأمين رفاه اجتماعى به فعاليت مشغول اند؛ مانند وزارت‌هاى تحصيلاتِ عالي، اقتصاد، ماليه، دفاع، داخله، استخبارات، معارف، صحت عامه، امر به معروف و نهى از منكر، حج و اوقاف، كار و امور اجتماعى، شهرسازى و مسكن، اطلاعات و فرهنگ، احيا و انكشاف دهات، شاروالى‌ها، محيط زيست و غيره. در كفايت طراحى نظام‌هاى موجود در يك جامعه (به‌خصوص در بهبود و تجهيز نظام صحى و بهداشتى، بقا و تقويت نظام فرهنگى)، تحصيلاتِ عالي از جايگاه مهم برخوردار است (حاتمى، ۱۳۹۸، ص ۶۲).

با توجه به پيچيده بودن ابعاد مسائل و مشكلات اجتماعى نهادها و سازمان‌هاى مختلفى كه در عرصه تأمين رفاه اجتماعى و رفع نيازهاى مردم فعاليت دارند، نيازمند شناسايى اولويت‌ها، تصميم‌سازى، اقدامات و برنامه‌ريزى‌هاى درست و علمى جهت رفع نيازها و مشكلات اجتماعى مردم افغانستان مى‌باشند. در اين مسير نظام تحصيلاتِ عالي و پوهنتون‌هاى كشور از يك طرف مى‌توانند نيروى انساني متخصص و مسلكى مورد نياز را براى آن‌ها فراهم سازند و از جانب ديگر مى‌توانند با انجام تحقيقات علمى معضلات اجتماعى را شناسايى و به ارائه پيشنهادات، راهكارهاى علمى و برنامه‌ريزى جهت حل معضلات بپردازند.

بنابراين، از وظيف مهم تحصيلاتِ عالي در افغانستان پرورش نيروى انساني كارآمد براى عرضه خدمات رفاهى در بخش‌هاى گوناگون و مورد نياز جامعه است. هدف اصلى و نهايى پوهنتون‌ها توليد دانش، شناسايى مسائل و مشكلات اجتماعى، تأمين نيازهاى جامعه، تربيت متخصصان و ارائه راهكار براى حل معضلات اجتماعى در همه زمينه‌هاست (شريف زاده، ۱۳۹۰، ص ۸۰). لذا، نظام تحصيلاتِ عالي

افغانستان در جهت تأمین رفاه اجتماعی و مرفوع ساختن نیازهای گوناگون جامعه نقش بسیار مهم را بر دوش دارد.

تحصیلات عالی عامل گسترش سرمایه اجتماعی

یکی دیگر از مؤلفه‌های انکشاف و توسعه اجتماعی افغانستان سرمایه اجتماعی می‌باشد. سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای موهبت‌ها و امتیازات اجتماعی مانند ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، اعتماد، صداقت، درک متقابل، تساهل، همدلی، حسن‌نیت، همکاری، خیراندیشی، انسجام، مشارکت و ارتباط متقابل که افراد را قادر می‌سازد با یک‌دیگر به‌گونه‌ی سازگار کار نمایند. سرمایه اجتماعی، توانایی افراد برای کار با یک‌دیگر در جهت اهداف و خیر عمومی در گروه‌ها و نهادها می‌باشد (لعل علی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۰۴). سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در نظام اجتماعی بوده که موجب ارتقای سطح همکاری میان اعضای جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات و تسهیل کنش‌های اجتماعی آن‌ها می‌گردد. در صورت فقدان سرمایه اجتماعی سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی پیمودن راه‌های توسعه و تکامل اجتماعی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌نماید (صیدایی، ۱۳۸۸، صص ۱۹۰-۱۹۶). سرمایه اجتماعی بر خلاف سایر سرمایه‌ها به‌صورت فیزیکی وجود ندارد، بلکه حاصل تعاملات هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های اداره جامعه گردد. امروزه سرمایه اجتماعی با توجه به تعاملی که بین افراد با یک‌دیگر و گروه‌های اجتماعی با دولت و دولت با گروه‌ها ایجاد می‌کند، اهمیت زیادی برای انکشاف و توسعه ملی پیدا کرده است.

نظام تحصیلات عالی در افغانستان می‌تواند از طریق مضامین پوهنتون‌شمول و با آموزش و ترویج ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و معنوی چون صداقت، اعتماد، حسن‌نیت، خیرخواهی، درک متقابل، تساهل، همدلی، همکاری، انسجام و مسئولیت متقابل (که همه عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی اند) در ترسیم و تحقق جامعه‌ی ایده‌آل و مطلوب نقش تعیین‌کننده داشته باشد. پوهنتون‌ها با آموزش و ترویج ارزش‌های دینی نه‌تنها باعث تقویت سرمایه اجتماعی می‌شوند، بلکه با ایجاد هویت دینی و ملی مشترک و گسترش آن می‌توانند موانع انکشاف و توسعه اجتماعی افغانستان را نیز از میان بردارند. پوهنتون‌ها کانون تولید سرمایه اجتماعی هستند. پوهنتون‌ها که به واسطه مقررات رسمی اعتمادساز و هویت‌ساز ملی در جامعه افغانستان فعالیت دارند، توانایی افزایش سرمایه اجتماعی را دارند. پوهنتون‌ها با کارکرد ایجاد هویت مشترک میان اقوام کشور در افزایش سطح اعتماد و انسجام ملی، از ظرفیت و

توانایی لازم برخوردار اند. از آن جایی که محصلان، استادان و کارمندان پوهنتون‌های افغانستان از اقوام و مناطق مختلف کشور هستند، این امر می‌تواند باعث نزدیکی این اقوام به یک‌دیگر گردیده و منجر به افزایش حس اعتماد و همکاری میان آن‌ها شود. افرادی که به پوهنتون‌ها راه می‌یابند، هرچند دارای سلسله مراتب اجتماعی و اندیشه‌های متفاوتند، ولی مهم این است که آن‌ها دارای احساس همدردی، مشترک و هدف‌های مشترک اند. جوامع سرنوشت آینده خویش را که همانا تربیت افرادی عالم، متدین، متعهد، مسئولیت‌پذیر، متفکر و خلاق است، به عهده‌ی پوهنتون‌ها و سیستم‌های آموزشی واگذار کرده‌اند (نیستانی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۶). هنجارهای مشترک در رشته‌های تحصیلی پوهنتون‌ها باعث می‌شوند تا تحصیل‌کردگان هر رشته با دانش‌آموختگان همین رشته در ولایت دیگر نسبت به هم احساس هویت مشترک بیابند. وجود این گروه‌ها از اجزای انسجام و وحدت ملی بوده و موجب همکاری آن‌ها با یکدیگر در ادارات و نهادهای دیگر می‌شود. در شرایطی که بین افراد و گروه‌های اجتماعی حس همانندی و قرابت وجود داشته باشد، ارزش‌ها و منافع مشترک آن‌ها را به یک‌دیگر متصل و متحد می‌سازد.

از جانب دیگر، قرارگرفتن در فضای تحصیلات عالی به افراد فرصت می‌دهد تا به شناخت بهتر از «خود» و «دیگران» و نیز مسائل جهان اجتماعی نایل شوند. تحصیلات عالی با انجام فعالیت‌های خویش در عرصه نظام‌سازی و ملت‌سازی نقش تعیین‌کننده دارد (حاتمی، ۱۳۹۸، ص ۶۲). به هر اندازه که دانش و شناخت متقابل میان گروه‌های اجتماعی از منافع و خواست‌های یکدیگر افزایش یابد، به همان اندازه گفتگو و تفاهم میان منافع و علایق متفاوت گروهی و قومی جای بدبینی و تعصب نسبت به یک‌دیگر را می‌گیرد. بر این مبنا، نظام تحصیلات عالی و پوهنتون‌های افغانستان می‌توانند با ترویج ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و ملی کانونی برای تعامل و تفاهم میان گروه‌های اجتماعی مختلف باشند و از این طریق در اعتماد اجتماعی و همکاری متقابل نقش اساسی ایفا نمایند.

نتیجه‌گیری

از مباحث مطرح شده در متن مقاله می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود: تحصیلات عالی و توسعه اجتماعی افغانستان با همدیگر رابطه‌ی ارگانیک داشته و مکمل هم هستند. سرنوشت امروز و آینده‌ی افغانستان بستگی به تربیت افراد متدین، دانشمند، متخصص، صادق و متعهد، مسئولیت‌پذیر، خلاق و مبتکر دارد و نظام تحصیلات عالی عهده‌دار تربیت و تولید چنین افراد می‌باشد. برای تحقق انکشاف و توسعه اجتماعی در افغانستان شاخص‌هایی چون رفاه اجتماعی، تقویت انسجام و هم‌بستگی ملی، عدالت اجتماعی و سرمایه اجتماعی از اهمیت فوق‌العاده برخوردار اند.

نظام تحصیلات عالی در افغانستان با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و ترویج آن‌ها می‌تواند ابزارها و راهکارهای مناسب را برای تحقق عدالت اجتماعی، تقویت انسجام و هم‌بستگی ملی و رفاه اجتماعی تدارک نموده و جامعه را به سمت توسعه اجتماعی پایدار سوق دهد. نظام تحصیلات عالی و پوهنتون‌های افغانستان با داشتن برنامه‌های مناسب و با کیفیت می‌توانند سرمایه اجتماعی را از طریق ترویج ارزش‌ها و هنجارهای دینی مشترک نظیر اعتماد، صداقت، تعاون و حسن‌نیت افزایش داده و این نقش را به واسطه آموزش و تحقیق در سطح ملی انجام دهند. پوهنتون‌ها در افزایش انسجام و هم‌بستگی و هویت مشترک میان شهروندان افغانستان از اقوام و گروه‌های مختلف تأثیر تعیین‌کننده دارند؛ زیرا افراد را از اقوام و گروه‌های مختلف به‌عنوان محصل، استاد، مأمور و کارگر در خود جذب نموده و زمینه‌ی ایجاد ارتباط و تفاهم میان آنان را فراهم می‌سازند.

نظام تحصیلات عالی در افغانستان علاوه بر نقشی که در جهت تولید دانش و تربیت نیروی متخصص ایفا می‌کند، نقش‌های دیگری نظیر پاسداری از فرهنگ اسلامی و انتقال آن به نسل‌های آینده، بازانديشي مستمر پروسه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ارائه راهکارهای علمی و عملی برای بیرون‌رفت از تنگ‌ناها و عقب‌ماندگی در ابعاد مختلف جامعه را نیز بر عهده دارد.

خلاصه این‌که، نظام تحصیلات عالی در افغانستان از یک طرف با تربیت و تولید سرمایه انسانی و اجتماعی و از طرف دیگر با ترویج و تحکیم ارزش‌هایی چون انسجام و هم‌بستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و شناسایی مسائل اجتماعی در افغانستان با راه‌اندازی تحقیقات می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در انکشاف و توسعه اجتماعی کشور ایفا نماید. نظام تحصیلات عالی در افغانستان با تقویت روحیه‌ی اتکاء به آموزه‌های اسلامی و دستاوردهای علمی ظرفیت و توانایی جامعه را در مسیر انکشاف و توسعه اجتماعی افزایش می‌دهد.

پیشنهادات

۱. اگر جامعه را به بدن انسان تشبیه کنیم بدون هیچ‌گونه تأملی باید نظام تحصیلات عالی را محوریت عقلانی یا مغز انسان در نظر بگیریم. در این صورت، اخذ هرگونه تصمیم و پالیسی در راستای توسعه و انکشاف اجتماعی افغانستان، باید بر محوریت نظام تحصیلات عالی ساخته شود.

۲. نظام تحصیلات عالی افغانستان به‌منظور اثربخشی نصاب تحصیلی و آموزش مفید در راستای انکشاف و توسعه اجتماعی کشور نیازمند بازنگری نصاب درسی و محتوای آن با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور و نیازهای جامعه است.

۳. يکي از چالش‌های مهم نظام تحصیلات عالی در کشورهای نظیر افغانستان کمبود کادر علمی متدین، متعهد، متخصص، دل‌سوز و صادق می‌باشد. وزارت محترم تحصیلات عالی کشور تلاش نماید تا کادر علمی متدین، متعهد، صادق و متخصص مورد نیاز را با در اختیار گذاشتن امکانات مورد نیاز آنها فراهم سازد.

۴. از مشکلات عمده پوهنتون‌ها در افغانستان کمبود و حتی فقدان منابع مالی لازم جهت انجام تحقیقات علمی است. برای پیشرفت و توسعه در ابعاد مختلف جامعه نیاز است تا موانع توسعه شناسایی و برای رفع آنها راهکارهای علمی تدارک گردد. در این روند، پوهنتون‌ها نقش بنیادی را بر عهده دارند و این نقش زمانی تأمین خواهد شد که هزینه و امکانات لازم در اختیار آنها قرار گیرد.

۵. نظام تحصیلات عالی در افغانستان باید برنامه‌های خویش را متمرکز به تربیت نسل جوان براساس معیارهای اسلامی و تربیت انسان‌های متعهد، متخصص، مسئول و تلاش‌گر در جهت انکشاف و توسعه اجتماعی بسازد. در ضمن، تلاش بیشتر نماید تا فرصت‌های تحصیلی باکیفیت را در اختیار همه‌ی مردم افغانستان قرار دهد.

۶. برای برنامه‌ریزی‌های لازم جهت انکشاف و توسعه اجتماعی پایدار همکاری و هماهنگی وزارت تحصیلات عالی با سائر وزارت‌های کشور امری ضروری بوده، تدابیر و اقدامات لازم در این زمینه روی دست‌گرفته شود. زیرا توسعه اجتماعی نیازمند مشارکت همگانی و مدیریت عقلانی و اصلاحات گام‌به‌گام نهادهای اجتماعی و نیروی بشری کشور می‌باشد.

۷. برای ترویج و نهادینه‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی معطوف به توسعه و انکشاف اجتماعی در جامعه افغانستان نیاز است تا وزارت محترم تحصیلات عالی شبکه‌ی تلویزیونی مستقل را فعال نماید. شبکه‌ی مذکور برنامه‌ها و گفت‌وگوهای اسلامی و علمی را در راستای عوامل و موانع انکشاف و توسعه در ابعاد مختلف منتشر نماید تا مردم افغانستان بتوانند مهارت‌های لازم را در این عرصه به‌دست آورده و در پیشرفت و انکشاف کشور سهم فعال داشته باشند.

۸. برای این‌که نظام تحصیلات عالی بتواند نقش‌های خویش را در انکشاف و توسعه اجتماعی افغانستان ایفا نماید، باید معضلات و مشکلات نظام تحصیلات عالی در سطوح گوناگون با همکاری پوهنتون‌ها و مراکز تحقیقاتی بررسی شود. شکی نیست که تحصیلات عالی کشور نیازمند توان‌مندسازی است.

۹. چون افغانستان یک جامعه‌ی اسلامی است، نیاز شدید به تولید علوم اجتماعی مبتنی بر مبانی دینی اسلام احساس می‌شود. از طریق علوم اجتماعی مبتنی بر مبانی دینی می‌توان از خودیگانگی فکری و فرهنگی نسل جوان افغانستان و ناسازگاری‌های اجتماعی را کاهش داد.

10. مسئولین نظام امارت اسلامی باید به تحصیلات عالی در افغانستان توجه بیشتری را معطوف بدارد تا نظام تحصیلات عالی بتواند با کیفیت بیشتر رسالت دینی و ملی خویش را به سر رسانده و با ارتقاء کمی و کیفی سطح تحصیلی و تحقیقی خویش به روند انکشاف و توسعه‌ی موزون (مادی و معنوی) جامعه شتاب بیشتری بخشد و افغانستان بتواند به عنوان یک جامعه‌ی اسلامی مستقل، متحد، آزاد و توسعه‌یافته در میان ملل دیگر جهان شناخته شود.

منابع

القرآن الکریم.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۳۹۰). صحیح البخاری. ترجمه عبدالعلی نور احراری، جلد ششم، تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام.

مسلم، امام ابوالحسین بن الحجاج القشیری. (۱۳۹۳). صحیح مسلم. جلد چهارم، ترجمه خالد ایوبی نیا، ارومیه: حسینی اصل.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۸۲). مقدمه ابن خلدون. جلد اول، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ازکیا، مصطفی. (1384). جامعه شناسی توسعه. تهران: انتشارات اطلاعات.

ثابتی، مریم و همکران. (۱۳۹۳). «نقش آموزش عالی در توسعه ملی». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره چهارم.

حاتمی، صادق و دیگران. (۱۳۹۸). «نقش آموزش و پرورش در توسعه اجتماعی و فرهنگی». مجله تحقیق و مطالعات علوم اسلامی.

رسول، احمد رسول. (۱۳۹۵). «نگاهی به مفهوم توسعه اجتماعی». فصلنامه پوهنهی علوم اجتماعی پوهنتون کابل، شماره دوم.

رسول، احمد رسول. (۱۴۰۱). «نگاه جامعه شناسانه به دین». مجله علمی-تحقیقی حوزه علوم اجتماعی پوهنتون کابل، شماره ۲(۵).

ازاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۱). مبانی رفاه اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

شریف زاده، فتاح. (۱۳۹۰). «ضرورت بازشناسی نظام آموزش عالی و نقش آن در توسعه علمی و اجتماعی کشور». جامعه پژوهی فرهنگی، سال دوم، شماره اول.

صدیایی، سید اسکندر و دیگران. (۱۳۸۸). «دبیاچه‌ای بر سرمایه اجتماعی» مجله راهبرد یاس، شماره ۱۹.

عثمانی، محمد شفیق. (1377). تفسیر معارف القرآن. جلد سوم، چهارم، ترجمه محمد یوسف حسین پور، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.

لعل علی زاده، محمد. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: دانشگاه پیام نور.

مصفا، نسرین. (۱۳۹۰). «نقش آموزش در تحقق عدالت». مرکز منطقه‌ای اطلاع رسانی علوم و فناوری.

اندوی، سید ابوالحسن علی. (۱۳۸۵). اسلام و جهان تحول پذیر. ترجمه اکبر مکرمی، زاهدان: انتشارات صدیقی.

ندوی، سید ابوالحسن علی. (1397). نقش طلاب و حوزه‌های علمیه در جامعه. ترجمه یار محمد امراء، تهران: نشر احسان.

نراقی، یوسف. (1380). جامعه شناسی و توسعه. تهران: انتشارات فروزان روز.

نژاد محمد، منصور. (1379). دین و توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی. تهران: نشر علوم نوین.

20. نیستانی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «نقش فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها در توسعه فرهنگی جامعه». پرتال جامع علوم انسانی، شماره ۷۶.